

نیز توصیف شده است و قتیکه هر روحی در بهشت و جهنم و اعراف بجای خود مستقر شد مرگ را بصورت گوسفند سیاه درمیانه بهشت و جهنم سر میبرند و منادی ندا میکند که مردنی برای اهل بهشت و جهنم نخواهد بود .

خاتمه صفحه ۱۳۲ - ۱۳۸

نور دوم در معنی کفر و ایمان است

کفر و ایمان
در کلام خدا کفر به پنج معنی آمده است و در دنیا کفر بر سه قسم است قلبی و قولی و فعلی، همچنین ایمان بر سه نوع است

و ایمان را غیر از اسلام باید دانست سنی ها و شیعیان غیر اثنی عشری مسلمانند اما مؤمن نیستند نجس نیستند اما در آتش جهنم میخند خواهند بود . و مرتدین واجب القتلند و توبه آنها در این عالم قبول نمیشود اما بعضی از علماء گفته اند که در آخرت توبه آنها قبول خواهد گشت لیکن از اشخاصیکه دین اسلام را گرفته اند و بعد مرتد شده اند توبه مقبولست . و اگر زنی مرتد شود کشتنی نیست باید او را حبس کرد و آتقدر ضرب زد که توبه کند یا بعید اینجا کتاب با ذکر و شرح پنج قسم ایمان و شش نوع توبه با تمام میرسد .^۱

(۱) مؤلف تمام این رساله را که مشتمل بره مشکوة و یک خاتمه است عینا نقل و ترجمه کرده بود اما ما فقط مشکوة اول و مصباح ششم و خاتمه را گذاشتیم بدواعت یکی آنکه مراده مؤلف نشان دادن عبارت بندی علماء و فارسی نویسی ملاها بود؛ و از همین مقدار هم مقصود حاصل است دیگر آنکه اکثر مطالب مشکوةها برای خوانندگان ایرانی توضیح و اضحات بود مثل تعداد ائمه اطهار و احوال بهشت و دوزخ و صراط و قبر و مباحث مختلفه راجع بعدل و امامت و غیره که در اکثر رسالات مذهبی بتفصیل مذکور و اذهان عامه مردم از آن کاملاً مسبوق است بعلاوه سبب دیگری برای حذف این رساله بود و آن کثرت عقاید سخیفه عوامانه و اعتقادات بیرزنان بود که اگر حذف نمی شد علاوه بر بیفایده گی اهانت بمذهب محسوب میگردد و خلاف تحقیق تاریخی هم بود زیرا که حقیقت مذهب شیعه غیر از آنهاست و جایز نیست تخیلیت شود و آنچه عقیده عوام و عجایز است باصل مذهب نسبت داده شود . از آنچه ضروره برای نمونه باقی گذاشته ایم لزوم حذف آن رساله واضح میگردد (مترجم)

خلاصه عقاید شیعیان امروزی ایران همین بود که بطور عامیانه و بصورت ساده مذکور گردید البته خیلی جالب توجه بود که ما سلسله تکامل و تطور این عقاید را از روزگار قدیم تا حال شرح میدادیم و تا حدیکه مواد معتبره و اسناد صحیحه اجازه میدهند روایات تاریخی و جعلیات را با یکدیگر مقابله میکردیم و معتقدات اصولی و فروعی سنیان و شیعیان را بتفصیل مقایسه می نمودیم اما اگر هم کتاب مقدماتی که برای چنین بحثی لازم است تدوین شده بود باز کتاب ما گنجایش ورود در این مبحث را نداشت . حتی ملاها و مجتهدین قشری هم عقایدشان اینقدر خام و کودکانه نیست که فوقاً مذکور افتاد ولی مصلحت چنین میدیده اند که عوام را به عقیده خود واگذارند و خود را در زحمت نیفکنند زیرا که اگر باب بحث را بر روی ملتیکه حاضر و آماده شك و ارتداد است میگذردند خطرهای بزرگ تولید میگشت .

بالجمله هر گاه افکار شرعی و فلسفی ایرانیان را بطور خلاصه

تقسیمات کلی
افکار مذهبی ایرانیان
 بخوایم تقسیم کنیم در هر يك از آنها سه طایفه تشخیص خواهیم داد طبقه علماء تقسیم میشود به سه دسته : اخباریها و اصولیها یا (مجتهدین) و شیخیها . حکما منقسم میگرددند به سه زمره متکلمون و حکما (که فیلسوفان ساده و خالص هستند) و عرفای صوفیه .

تقسیمات گوینو
 شرحیکه گوینو^۱ راجع باین طبقات مینویسد روشن ترین و زنده ترین و موجزترین تعریفات است که در زبانهای اروپائی تا کنون بنظر من رسیده است . هر چند نمیتوان مطلقاً تصدیق کرد که صحتش باندازه وضوحش باشد . مثلاً اخباریها عموماً خشک ترین و محدودترین طوائف شیعه هستند اما گوینو آنها را دارای وسعت مشربی میشمارد که خودشان هم مدعی آن نیستند . و در حق شیخیه گوید که «معاد جسمانی را کاملاً انکار نمیکنند» در صورتیکه مخصوصاً اعتقاد بجهنم حور قلبائی^۲ بود که آنها را هدف تیر تکفیر ساخت . بعلاوه عقاید شیخیان برای پیشرفت افکار بایه که خیلی تند تر است زاهدان را بطور قطع باز نمود . بایه خارج از حدود اسلامیند درحالتیکه شیخیه در داخله آن

(۱) کتاب ادیان و مذاهب فلسفی در آسیای مرکزی (چاپ دوم پاریس ۱۸۶۶) صفحه

۲۸ — ۳۳ . راجع بطبقات سه گانه علماء و صفحات ۱۱۱-۶۳ (فصل ۴) همان کتاب راجع

بفلسفه و صوفیه (۲) رجوع کنید بسفرنامه یکنفر سیاح جلد دوه ص ۲۳۶

اعمال تقوی کرده و در طبقات عالیه و مقامات شامخه پیروان متنفذ داشته اند . راجع بفلسفه و صوفیه مفصلاً در فصل آینده سخن خواهیم راند اما در خصوص علماء بهتر آنکه گفتار گوینورا عیناً نقل نماییم : ۱ « نباید فراموش کرد که هر چند ممکن است بطور تقریب سه طایفه مزبور را چنانکه من طبقه بندی کردم از یکدیگر مجزا نمود لیکن معذک لازم است در اینجا بگوئیم که ندره یکنفر ایرانی را میتوان یافت که در مدت عمر از طبقه دیگر نرفته و در هر سه طایفه وارد نشده باشد . »

ملا محمد باقر مجلسی یکی از بزرگترین و مقتدر ترین و

مجلسیها

متعصب ترین مجتهدهای عهد صفویه لازم دید از پدر خود ملا

محمد تقی مجلسی که از علماء مبرز زمان بوده و نسبت بصوفیه توجه داشته دفاع نموده و بگوید ۲ : « مبدا گمان بد کسی پدرم نماید که او از صوفیه است بلکه چنین نیست زیرا که من معاشر با پدرم بودم سرّاً و جهرّاً و از احوال و عقاید او مطلع میباشم بلکه پدرم صوفیه را بد میدانست لکن در بدو امر چون صوفیه نهایت غلو داشتند پس پدرم بسلك ایشان منسلک شد تا باین وسیله دفع و رفع و قلع و قمع اصول این شجره خبیثه زقومیه نماید و چون نائره شقاوت ایشان را منطقی ساخت آنوقت باطن خود را ابراز نمود والا و الادم بانهایت ورع و تقوی و زهد و عبادت و زهدات و تفاوت و تفاوت است . »

ملا محمد باقر مجلسی برخلاف تقید و تعصب و پشت کار فوق الطاقه که در چیز

نویسی داشته و بفارسی با زبانی ساده و قابل فهم چیز می نوشته و مذهب شیعه را در میان عامه ترویج می نموده . و صوفیه را با خشونت کامل قتل عام می کرده دارای اخلاق پسندیده نیز بوده و آثاری از مهر بانی و خوش فطرتی او در قصص العلماء مذکور است ۳ شخصی پس از وفات او را در خواب دید از او پرسید : « احوال شما در آن نشأ بچه نحو است و با شما چه معامله کرده اند ؟ » مجلسی جواب داد : « اعمال من هیچیک

(۱) فصل مذکور صفحه ۳-۳۲ (۲) قصص العلماء چاپ لکنهور قسمت دوم ص ۱۹۰ (۳) ایضا

قصص العلماء قسمت اول صفحه ۲۱۶ چاپ لکنهور مؤلف این قصه را که نهایت شیوع دارد از اغلاط مشهوره می شمارد اما راجع بقوه کتابت مجلسی در همان صفحه گوید روزی : ۱۰۰۰ بیت (۵۰۰۰ کله) کتابت میفرموده .

برای من فائده نبخشید بجز اینکه روزی بیکنفر یهودی یکدانه سیب دادم او مرا
نجات داد»

در قصص العلماء شرح حال ۱۵۳ نفر از علماء دیده میشود و ما بذکر بیست
و پنج نفر از آنها که جالب توجه و مهمترند ذیلا اکتفا میکنیم: این ۲۵ نفر را حتی
المقدور بترتیب تاریخی مرتب کرده ایم. و عددی که در اصل کتاب مخصوص
هریک از آنها بوده بعد از ذکر اسم در هلالین گذارده ایم^۱

۱ - علماء قبل از صفویه

۱ - محمد بن یعقوب الكلینی (نمره ۹۶) ملقب به ثقة الاسلام مؤلف کافی متوفی

سال ۳۲۹/۹۴۱

۲ - محمد بن علی بن حسین بن موسی ابن بابویه قمی معروف به صدوق (نمره ۹۵)

متوفی سال ۳۸۱/۲ - ۹۹۱ در قصص العلماء صد و هشتاد و نه جلد از مؤلفات او مذکور
است که مهمترین آنها عبارتست از من لایحضره الفقیه که مثل کافی یکی از کتب
اربعه است.

۳ - محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام الحارثی که معمولاً او را شیخ مفید می

نامند [نمره ۹۷] متوفی سال ۴۱۳/۱۰۲۲ در قصص العلماء عده مؤلفات او ۱۷۱ نوشته شده.

۴ - سید مرتضی ملقب به علم الهدی [نمره ۹۸] وفاتش سال ۴۳۶/۱۰۴۴ نبیره

امام هفتم موسی کاظم (ع) است.

۵ - احمد بن علی النجاشی (نمره ۱۳۲) وفاتش سال ۴۵۵/۱۰۶۳ یکی از شاگردان

شیخ مفید و مؤلف کتاب الرجال معروفست.

۶ - محمد بن حسن بن علی الطوسی ملقب به شیخ الطایفه (نمره ۱۰۰) وفاتش سال

۴۶۰/۱۰۶۷ سومین محمد از محمد های قدیم محسوب میشود (دو محمد دیگر نمره ۱ و ۲
سابق الذکرند) شیخ الطایفه مؤلف دو کتاب از کتب اربعه است یکی تهذیب الاحکام
و دیگر استبصار بعلاوه فهرست معروفیکه راجع بکتب شیعه ترتیب داده است.

۷ - نصیرالدین طوسی ملقب به محقق که شهرتش در حکمت و علوم پیش از

(۱) در هر دو چاپ قصص العلماء اسامی این اشخاص بترتیب ابجد مرتب گردیده مثلاً کلینی صو

(۹۶) نجاشی قلب (۱۳۲) و غیره.

شرعیات است [نمره ۹۰] متوفی بسال ۱۲۷۴/۶۷۲ معروفترین تألیفاتش اخلاق ناصری است در اخلاق و زیج ایلخانی که برای هلاکوخان مغول تهیه نموده است و تجرید در الهیات که طرف توجه عدّه کثیری از شراح و صاحبان رسائل کلامیه است .
۸ - نجم الدین جعفر بن یحیی مشهور به محقق اول مؤلف شرایع الاسلام (نمره ۸۹) متولد در ۱/۶۳۸ - ۱۲۴۰ متوفی در محرم ۷۲۶/دسامبر ۱۳۲۵ و قتیکه جوان بود در شعر قدرتی نشان داد اما پدرش بسختی او را مانع شد و گفت شعرا ملعونند و شاعری مخالف تقدس است .

۹ - حسن بن یوسف بن علی بن المطهر الحلّی معروف به علامه حلّی [نمره ۸۸] در همان ماه و همان سال که محقق اول وفات یافت بدرود زندگانی گفت . محقق مشارالیه ده سال از او بزرگتر بود . در قصص ۷۵ تألیف بنام او مذکور است علامه حلّی از یک دودمان بزرگی از علماء بود که در مدت قلیلی ده نفر مجتهد از آن بوجود آمدند . یکی از آنها پدر علامه بود و دیگری فخرالمحققین پسرش [نمره ۸۶]

۱۰ - شیخ شمس الدین محمد بن مکی العاملی معروف به شهید اول [نمره ۸۲] در اواسط تابستان ۱۳۸۴/۷۸۶^۱ بفتوای دو نفر از قضاة برهان الدین مالکی و ابن جماعه شافعی بقتل رسید .

II روحانیون عهد صفویه و بعد از صفویه

۱۱ - نورالدین علی بن عبدالعالی مشهور به محقق الثانی [نمره ۸۴] از کُرک که مسقط الرأسش بود بایران آمد و مورد احترام و توجه شاه طهماسب اول شد و فانش در ۹۴۰/۴ - ۱۵۳۳ اتفاق افتاد .

۱۲ - احمد بن محمد المدعو به مقدس الوردیلی [نمره ۸۳] خیلی طرف احترام شاه عباس اول بود و فانش در سنه ۱۵۸۵/۹۹۳ .

۱۳ - میر محمد باقر داماد (نمره ۷۷) نوه محقق ثانی همچنین خیلی در نظر شاه عباس احترام داشت در سال ۱۰۴۱/۲ - ۱۶۳۱ بدرود جهان گفت . یکی از شعراء راجع بکتاب صراط المستقیم او گوید :

مسلمان نشود کافر میناد

صراط المستقیم میر داماد

خود او هم بتخلص اشراق شعر میسروده است .

(۱) این تاریخی است که در قصص ضبط شده اما در لؤلؤة البحرین ۹/۷۸۰ - ۱۳۷۸ مسطور است .

۱۴ - شیخ محمد بهاء الدین العاملی که عاده او را شیخ بهائی مینامند (نمره ۳۷) در شهرت و نفوذ و احترام با میرداماد بهلو میزد این دو نفر از علمائی بودند که بیش از همه باعث شکوه و جلال دربار شاه عباس اول میگشتند. شیخ بهائی در نزدیکی بعلبک بسال ۱۵۴۶/۹۵۳ متولد و در ۱۶۲۲/۱۰۳۱ وفات یافت هنرش منحصر بشرعیات نبود. در این باب مهمترین کتابش جامع عباسی است که در میان عامه ملت ایران رایج و در دسترس عموم است اما شیخ عمرش وفا نکرد که آنرا با تمام برساند. ۱ از تألیفات او یکی کشکول است که در آن حکایات و قصص عربی را جمع آورده و خلاصه کتابی است که سابقاً تألیف نموده و کمتر شهرت دارد موسوم بمخالات رسالاتی در ریاضیات و هیئت و یک مثنوی بشعر فارسی موسوم بنان و حلوات تصنیف کرده است.

۱۵ - محمد بن مرتضی الکاظمی که معمولاً او را ملا محسن فیض میخوانند (نمره ۷۶) این شخص مبعوض شیخ احمد احسائی مؤسس طریقه شیخیه گردیده که او را اخباری صرف دانسته و بجای محسن مسیئی خطاب میکرد و اما ملا محسن فیض بیشتر در عرفان و حکمت دست داشت تا در شرعیات. علی الظاهر معروفترین کتب او ابواب الجنان باشد^۲ که در سال ۱۶۴۵/۱۰۵۵ برشته تحریر درآمده است. ده سال بعد از این تاریخ از کاشان بشیراز رفت و در مجلس ملا صدری بتحصیل حکمت پرداخت و دختر او را گرفت. فیض شاعر هم بود و در مجمع الفصحاء عده اشعار او شش الی هفت هزار نوشته شده است.^۳

۱۶ - میر ابوالقاسم فندرسکی هر چند در قصص العلماء احوالش دیده نمیشود

(۱) جامع عباسی مشتمل بر بیست فصل و مکرر بطبع رسیده است اما چهار فصل اول آنرا غالباً جدا چاپ میکنند که اطفال را در فرائض مقدماتی مذهبی هدایت نماید (ت. ز) بنا بر قول ادوارد (فصل مذکور ۸ - ۴۰۷) فصول ششم تا بیستم را فیما بعد نظام بن حسین ساوجی بر کتاب نا تمام شیخ بهائی اضافه کرده است (مؤلف) (۲) ابواب الجنان تألیف ملا محسن فیض نیست و چنانکه بنظر میرسد از تصانیف ملاحسین واعظی کاشفی مؤلف انوار سهیلی مشهور است. (ت. ز) مؤلف حقیقی گویا محمد بن فتح الله رفیع الدین موسوم بواعظی قزوینی است (مؤلف) رجوع کنید به فهرست ادواریش ۶-۴۰۵ (۳) چاپ طهران ۱۲۹۵/ ۱۸۷۸ جلد دوم صفحه ۶-۲۵

اما « بزرگترین فیلسوف و صوفی زمان خود محسوب میگشت و شاه عباس اول خلی
 اورا احترام میکرد و گویند شاه اورا املات نمود که چرا با اوساط الناس و مردمان
 فرومایه آمیزش و معاشرت میکند و بتماشای جنگ خروسان میرود . »^۱ مدتی
 در زمان سلطنت شاه جهان در هند بسر برد و در حدود ۱۰۵۰/۱-۱۶۴۰ در اصفهان
 رحلت نمود .

۱۷- ملا صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی الشهیر به ملا صدر ابالاتفاق بزرگترین
 حکیم عهد اخیر ایران شمرده میشود منازعات دائمی او بامشرعین معروف است و لباس تقدس
 و روحانیتش بضخامت و استحکام معلمینش میر داماد و شیخ بهائی نبوده است از
 این جهت اگر در قصص العلماء فصل خاصی باحوالات او اختصاص نیافته جای تعجب
 نیست اما در کتاب مزبور و سایر کتب مثل لؤلؤة البحرین بتفاریق ذکر حال او دیده
 میشود . تعالیمش در مشرعین عموماً و شیخیه^۲ خصوصاً تأثیر کرده است . در روضات
 الجنات تاریخ وفات اورا بسال ۱۰۷۰/۱۶۶۰^۳ ثبت نموده اند اما در لؤلؤة البحرین
 سال مرگ او بیست سال بعد نگاشته شده .

۱۸- عبدالرزاق لاهیجی مثل ملا محسن فیض از شاگردان ملا صدر است .
 دو تألیف مشهور او که بزبان فارسی نوشته شده عبارتند از سرمایه ایمان و گوهر
 مراد او نیز مثل شیخ طوسی صاحب مجمع البیان دلالت الفاظ را ذاتی میدانست و
 میگفت که نسبت و رابطه حقیقی فیما بین لفظ و معنی هر کلمه موجود است بقسمی که
 اگر شخص يك لغت غریبه را بشنود ممکن است تفکر کرده و معنی آنرا حدس بزنند
 این شش تقریباً ذکرشان گذشت هم فیلسوف بودند و هم فقیه بلکه حکمتشان
 بر فقه برتری داشت . اما اشخاص ذیل باستثنای آخرین آنها یعنی حاج ملاهادی تمام از
 علمای شیعه و خلی متعصب در مذهب بوده اند .

۱۹- ملا محمد تقی مجلسی [نمره ۳۶] گویند اول کسی است که احادیث و اخبار

(۱) فهرست نسخ فارسی ریو صفحه ۸۱۵ (۲) شیخ احمد الاحسانی بر کتاب مشاعر و سایر
 تألیفات او شرح نوشته است (روضات الجنات صفحه ۳۳۱) اما بنا بر مندرجات قصص العلماء
 (چاپ لکنهور صفحه ۴۸) اورا کافر میدانست . (۳) این سال را صاحب قصص العلماء تاریخ
 وفات پسرش میرزا ابراهیم ثبت کرده از اینقرار سنه ۱۰۵۰/۱-۱۶۴۰ بیشتر احتمال میرود که
 تاریخ وفات پدر باشد . (۴) قصص العلماء چاپ لکنهور قسمت ثانی ص ۱۲۳ این مطالب از
 روضات الجنات گرفته شده صفحه ۳۱-۱۲۹ آنچه در قصص العلماء دیده شد خیلی نقص دارد

تتمت

تتمت
در روز غلبه و کرم و کرم

بنوا

تتمت
در روز غلبه و کرم و کرم

تتمت

در روز غلبه و کرم و کرم

تتمت

السواد ذم مع صلوات
کتاب العبد المتذلل للصدیق



این کتاب خط در هر جناب صدرالدین محمد بن ابراهیم بقوامی شیرازی شهر صدر

که شرح حال درین در ۳۳۱ کتب ضایع است و در تاریخ

۱۳۰۶ کهنه در سید شتر در طهران بطبع رسیده منسوخ و فانی در تاریخ ۱۰۷۰

خط ملا صدرا شیرازی

ز بهر است

فضائل شیعه را جمع آورده مدون ساخت و علم حدیث و اخبار از محقق ثانی در عهد سلاطین صفوی باو رسید. پیش از این گفتیم که او را بتصوف منسوب ساخته بودند. وفاتش در ۱۰۷۰/۶۰ - ۱۶۵۹ است و باتناسب و مهارت کامل در این ماده تاریخ مندرج:

«افسر شرع او فتاد بی سرو پا گشت فضل»

چون حرف شین را که تاج کلمه «شرع» است برداریم وفا و لام را که سرو پای کلمه «فضاند» حذف کنیم فقط حروف رع ض میماند (۱۰۷۰ = ۲۰۰ + ۷۰ + ۸۰۰)

۲۰ - ملا محمد باقر مجلسی [نمره ۳۳] پسر آخوند سابق الذکر است و در

این فصل بارها از وی نام برده ایم. بدرجات از پدرش مشهور تر گردید. چهار الانوار که بزرگترین تألیفات اوست مجموعه است بسیار مفصل از احادیث و اخبار شیعه. مجلسی مؤلفات دیگر نیز دارد که کتب ذیل از آنها بفارسی است: عین الحیاء - مشکوة الانوار - حایة المتقین - حیات القلوب [که ناتمام است] - تحفة الزائرین جلاء العیون^۱ و غیره وفاتش چنانکه گفتیم در سال ۱۱۱۱/۱۷۰۰ - ۱۶۹۹ واقع شد.

۲۱ - سید محمد مهدی بروجردی ملقب به بحر العلوم [نمره ۲۷] در سال ۱۱۵۵/۳ - ۱۷۴۲ تولد یافت و ظاهراً در حدود ۱۲۴۰/۵ - ۱۸۲۴ رحلت کرد.

۲۲ - سید محمد باقر بن سید محمد تقی رشتی ملقب به حجة الاسلام [نمره ۳۶] است^۲ که پیش از این ذکرش گذشت و سخت گیری او در اجرای حدود نسبت باشخاصیکه نقض شریعت کرده بودند مذکور افتاد سید محمد باقر ثروت و تقو ذکامل داشت و بنا بر قول صاحب روضات الجنات [ص ۱۲۵] صدهزار دینار رایج در بنای مسجد بزرگ محله بیدآباد اصفهان بمصرف رسانید.

(۱) روضات الجنات صفحه ۲۴ - ۱۱۸ (۲) سید محمد باقر رشتی از حیث اهمیت در درجه سوم یا چهارم است و ملا احمد نراقی ص ۱۱۴ در مرتبه دوم و اشخاص ذیل که از قلم افتاده خیلی مهم ترند:

۱ - آقای بهبهانی مؤسس مذهب اصولیین که در قرن دوازدهم هجری میزیسته.

۲ - شیخ جعفر عرب (ملقب به کبیر) معاصر فتح ایشاه

۳ - شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام که تالیف بزرگ است در ۶ جلد

۴ - شیخ مرتضی الانصاری مؤسس فقه و قوانین معموله شیعه و استاد جمیع مجتهدینی که از

۷۰ سال قبل تا کنون ظهور کرده اند باستثنای آقا شیخ هادی.

۵ - آقا شیخ هادی طهرانی که از علماء درجه اول است.

تولدش در حدود سال ۱۱۸۰/۷-۱۷۶۶ بود در شانزده سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به عراق رفت و در ۱۲۱۶ یا ۱۲۱۷ (۳-۱۸۰۱) باصفهان مراجعت کرد و در یکشنبه دوم ربیع الاول ۱۲۶۰ (۲۳ مارچ ۱۸۴۴) وفات یافت بنا بر قول سمی او صاحب روضات الجنات تمام مردم (البته فقط متدینین و مسلمین!) یکسال تمام برایش عزاداری کردند زیرا که پس از وی کسی نبود که قانون شریعت را تا این پایه حفظ کند و پیشرفت دهد از غرائب اتفاقات این بود که ظهور میرزا علی محمد باب و نهضت فرقه بابیه که تا این حد اسباب ضعف علمای شیعه را فراهم آورد درست دو ماه بعد از وفات سید محمد باقر بوقوع پیوست.

۲۳ - شیخ احمد بن زین الدین بن ابراهیم الاحسائی بانی طریقه شیخیه بود و بیشتر ایام عمر را در یزد بسر برد و از آنجا از راه اصفهان عازم کرمانشاهان گردید تا زمان وفات محمد علی میرزا پسر فتحعلی شاه حاکم کرمانشاه در این شهر باقی ماند شاهزاده مزبور خیلی از وی احترام میکرد و وی را بتوقف در کرمانشاه وادار نمود. سپس بمشاهد متبرکه که عراق رفت و اغلب تألیفات کثیره خود را در آنجا بانمام رسانید از جمله تصانیف مشهوره او شرح الزیارة الکبیره و شرح الفوائد است. شیخ احمد احسائی با حرارت تمام بمخالفت ملا صدرا و ملا محسن فیض و جماعت صوفیه برخاست اما خودش هم بنا بر فتوای ملا محمد تقی قزوینی تکفیر شد ملا محمد تقی چون بدست بابیه در حوالی سال ۱۸۴۷ مقتول گردید شهید ثالث لقب یافت وفات شیخ احمد احسائی در ۱۲۴۳/۸-۱۸۲۷ واقع شد در اینوقت قریب نودسال از عمر او میگذشت ۱

۲۴ - ملا احمد نراقی که در سال ۱۲۴۴/۹-۱۸۲۸ بمرض وبا مرحوم شد هم شاعر بود هم فقیه و اشعاری بفارسی ساخت بسبک جلال الدین رومی و عنوان آنرا طاقدیس قرار داد. تخلصش صفائی بود و در مجمع الفصحاء شرحی از احوالش مسطور است (جلد دوم صفحه ۳۳۰)

۲۵ - حاجی ملاهادی سبزواری ۲ که آخرین فیلسوف بزرگ ایران است اشعاری بتخلص «اسرار» ساخته است تولدش در ۱۲۱۲/۸-۱۸۹۷ و وفاتش در ۱۲۹۵/۱۸۷۸ بود.

(۱) اناب اطلاعات مذکوره از روضات الجنات صفحه ۷-۲۵ اخذ شده (۲) رجوع کنید بکتاب من «سالی در میان ایرانیان» صفحه ۴۳-۱۳۱ که در آن شمه از شرح حال او بقم یکی از شاگردانش درج گردیده است.

فصل نهم

نثر نویسان (تا سال ۱۸۵۰م)

انواع نثر

ادبای مشرقی و آشنائی که در معانی و بیان دست دارند نثر را

از حیث صورت به نوع تقسیم مینمایند سری و مقفی و مسجع .

ولی ما به تقسیمی ساده تر نثر را بدو طبقه تقسیم مینماییم طبیعی و ساختگی . در نظر ما

نثر مصنوع بطور کلی ناپسند و نامطبوع می نماید . اما اجداد ما (در انگلستان)

تا این درجه متنفر نبوده اند و دلایلش وجود افوئیست Euphuists های زمان الیزابت

است در کتبی مثل مقامات حریری (عربی) یا انوار سهیلی (فارسی)

که بیشتر بقصد مطبوع افتادن در گوش و نشان دادن فضل نویسنده نوشته شده

اگر نثر مصنوع بنظر میرسد تا حدی قابل اغماض است اما کتابی که حاوی مطالب

مهمه و محتاج الیه باشد هر گاه با نثر ساختگی و متصنعانه نوشته شود بهیچوجه قابل

تحمل نخواهد بود این خود مورد بحث است که کدام سبک نثر نویسی را میتوان

مطلقاً خوب دانست و کدام را باید بد شمرد زیرا که ذوق ها و سلیقه ها در هر

مملکتی و حتی در هر ولایتی و در هر زمانی از ازمه متفاوت میشود چنانکه یکنفر

نویسنده که در عهدی مشهور و سبکش مطبوع است در عهد دیگر چندان اعتباری

بسبک و قول او نمی گذارند زیرا بر طبق ضرب المثل عربی : « الناس اشره

بزمانهم منهم بآبائهم »

اما اگر یکنفر مورخ جدی مطلبی را که سهولت در دو

عبارات مصنوعی در سطر میتوان نگاشت در یک ورق بنویسد ما حق داریم که از

کتاب تاریخی

وی آزرده شویم زیرا که بواسطه سبک بد و سلیقه ناهنجار او

مدتی از وقت ما تلف شده است .

قبل از هجوم مغول (قرن ۱۳ هجری) نثر فارسی عموماً

سادگی نخستین

ساده و مستقیم بود و هیچ نثری در ایجاز و اختصار بشرحیه

بلندی از تاریخ بزرگ طبری و سیاست نامه نظام الملک و سفر نامه ناصر خسرو

و قابوس نامه و چهار مقاله نمیرسد .

مغولها و تاتارها و ترکها علی الظاهر برای ادبیات ایران مضر
فساد زبان در زمان بوده اند زیرا از اثر مسجع و مطمئن و تعلق آمیز ترویج
مغولان و سایر ملل میکرده اند . و صاف مورخ که در سنه ۱۳۱۲^۱ کتاب خود
بیگانه را بالجایتو تقدیم نمود^۲ نخستین مفسد بزرگ زبان است
و بدبختانه عده کثیری مقلد و متابع او شده اند .

بهبودی اثر در عهد
اخیر

در عهد جدید ترقیات بسیار در اثر رخ داد و تلاش چنانکه
در مورد نظم ذکر شد یکی این بود که نویسندگان
زمان اخیر بقدماء مراجعه کردند و از سبک محوریین بعد
از مغول اعراض نمودند . و دیدار توسعه جدید فن روزنامه نگاری است که هر چند
عموماً بیک شیوه بدیع و نفی منجمر نمیشود اما مستازم ایجاز و استقامت است . از
لحاظ طرز و ترتیب و بالاتر از همه از نظر استناد تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام
کرمانی (۱۳۲۸/۱۹۱۰) را که متأسفانه بانجام نرسیده میتوان بدرجات بر تاریخهای
بزرگ و پر مدعای رضاقلیخان و لسان الملک (متمم روضة الصفا میرخواند و ناسخ التواریخ)
تفضیل نهاد در صورتیکه این دو کتاب بیش از پنجاه سال تقریباً بر وی تقدم نداشته اند
در این کتاب من مایل نیستم که از اثرهای مصنوعی که

نمونه عبارت پردازی

برای نشان دادن مهارت نویسنده تحریر می یابد اسمی بوم
و باین وسیله نام آن نویسندگان را مخلد نعایم و بهمینقدر
اکتفا میکنم که اگر معنی عبارات مزبور در کتاب تاریخ یا سایر کتب مفیده
قابل ترجمه باشد هر گاه بخواهیم ترجمه خود را لایق مطالعه یکنفر اروپائی بسازیم بعقیده
من باید تمام زیور و زینت عبارتی را از آن کتب برداشته آنرا تلخیص نمائیم .
محض نمونه چند سطر از کتاب بسیار مفید و بسیار مصنوع احسن التواریخ را
که در اوائل عهد صفویه (۹۸۵ / ۸ - ۱۵۷۷) تحریر شده و در فصول نخستین
این کتاب مطالب بسیار از آن نقل نموده ایم می گیریم موضوع راجع است به
جنگ محمد خان استاجلو با شاهرخ ذوالقدر که نا بینا بوده است در بهار سال
۹۱۴ / ۱۵۰۸ :

(۱) رجوع کنید « بتاریخ ادبی ایران در زمان سلطه تاتار » تألیف من صفحه ۸ - ۶۷

(۲) و صاف در ۷۰۲ کتاب خود را بغازان خان تقدیم کرد (مترجم)

در بهار که سلطان گل باحشمت و تجمل روی بتاخت الوس ریاحین آورد
و بزخم پیکان خار جنود شتوی را از گلزار منهزم گردانید

بر آمدز کوس سحابی خروش	در آمد سپاه ریاحین بجوش
رخ خویش را ابر درهم کشید	بدعوی کمانهای رستم کشید ۱
بر آورد شاخ شکوفه علم	ریاحین بیاراست خیل و حشم
ز ژاله پی فرق افراسیاب	بدامان کشان سنگ هر سوسحاب

خان محمد استاجلو به بیلاق ماردین نزول فرمود

تمام این عبارات و اشعار را در یکسطر میتوانست بنویسد «هنگام بهار خان محمد

استاجلو به بیلاق ماردین نزول فرمود»

اشعار لطیف و خیالات شاعرانه در محل خود خوب و پسندیده است اما در تاریخ بی مورد و خشم انگیز است. سخن در اینجا است که متأسفانه چنانکه گفتیم تقریباً تمام ایرانیان با سواد و تمام مورخان یا شاعرند یا شعر شناس و شعر دوست و برای آنها سهولت و لذت بخش تر است که تاریخ خود را مشحون بشعر کنند تا اشعار را بتاریخ زینت بدهند. چنانکه حتی در اشعار تاریخی نیز تاریخ حقیقی موجود نیست. پس در ضمن سخن راندن از نثر فارسی ازمنه اخیره من اکتفا میکنم بذکر آثاری که فقط مطالب بدیعه و مفیده دارند و از تزئینات صوری احتراز جسته اند. و از لحاظ موضوع آنها را پنج نوع تقسیم مینمایم:

(۱) فقه

(۲) حکمت

(۳) علوم — ریاضی و طبیعی و علوم خفیه و غریبه

(۴) تاریخ — عمومی و خصوصی و محلی

(۵) رجال و تذکره احوال شخصی و سفرنامه ها.

I فقه

در دوره که مورد بحث ماست یعنی از استقرار سلسله صفویه تا زمان

حاضر کتب فقهی در ایران منحصر است بمقاید و احکام شیعه

اثنی عشری و فرق شیخیه و بابیه و بهائیه. تمام آثار شرعی

یک طبقه بی فائده
از کتب

(۱) در فارسی قوس قزح را کمان رستم نیز گویند.

اوائل این عهد عربی نوشته شده و آثار او آخر نیز غالباً بهمان زبان تحریر یافته و بیشتر این کتب امروز در شمالک اسلامیة متروک و غیر مفهوم شده اند مگر برای معدودی اشخاص ذیفن و متخصص که از آنها میتوانند استفاده کنند و الا عموم مردم فائده از آن نمی برند. یکنفر مرد فاضل کتابی در فقه یا صرف و نحو یا منطق مینویسد و در مدرسه طلاب و حضور علمائی که مشغول تدریس بسبک قرون وسطی هستند شهرتی بکمال می یابد. دیگری پیدا شده و شرحی بر آن کتاب مینویسد. دیگری شرحی بر آن شرح می نگارد. شخص چهارم حاشیه بر این شرح اخیر مینویسد. شخص پنجم یادداشت‌هایی راجع باین حاشیه اخیر تحریر میکند. بقسمی که عاقبت نتیجه که بدست می آید خیلی شبیه است بعبارت خواجه نصرالدین افندی که ترکی زیرک بوده و گوید: این آب آب بگوشت خر گوش است^۱ یعنی غذائی عاری از طعم و قوت که بکلی مواد اصلیه در آن مستهک شده و نمیتوان تر کبب اصلی آن را دریافت. مرحوم شیخ محمد عبده مفتی بزرگ مصر و مدیر مدرسه الازهر که ظاهراً عالم اسلام در عهد جدیده نظیر او را در نورانیت فکر و عشق بزبان و ادبیات عربی بخود ندیده است همیشه می گفت که تمام این مزخرفات را باید سوخت زیرا که قفسه‌های کتابخانه هارا پر کرده و جز غذا دادن بگرم و موریانه و تارک ساختن علم حقیقی فائده بر آنها مترتب نیست. این عقیده یکی از علمای بزرگ اسلام بود و ما در پیروی آن تردیدی نداریم. فی الحقیقه هماغقدر که ما کثرت آثار مفید و دلپسند مسلمین را بدیده تکریم مینگریم هماغقدر هم از وجود این نوع نوشته هامتأثر و آزرده ایم. در روضات الجنات و قصص العلماء و غیره اسم عدّه کثیری از علماء را می یابیم که هر یک چهل پنجاه الی شصت جلد از این قبیل کتب تألیف کرده اند اما امروز کسی آنها را نمیخواند. و جز شاگردانشان که با فشار و تهدید ممکن است آنها را دیده باشند شاید هیچکس

(۱) شخصی خرگوشی برای ملا نصرالدین بهدیه آورد آنرا پخته بایکدیگر بخوردند

روز دیگر شخصی آمد دقالباب کرد ملا گفت کیستی گفت همسایه آنکه از برایت خرگوش آورده بود او را بخانه آورد طعام خوراند باز روز دیگر شخصی آمد ملا گفت نو کیستی گفت من همسایه همسایه آنکه برایت خرگوش آورد گفت بسم الله و در وقت غذا خوردن قدری آب گرم پیش او گذاشت گفت این چیست گفت این آب آب بگوشت آن خرگوش است

نقل از کتاب ملا نصرالدین فارسی (مترجم)

بمطالعه آنها مبادرت نورزیده باشد حتی تعداد و ذکر اسامی این کتب هم اگر در حین امکان بود برای ما فایده نداشت .

علمای شیعه در اواخر عهد صفویه از قبیل مجلسی ها کار بزرگی
فقه بزبان فارسی
 که کرده اند همان تعمیم و ترویج عقاید شیعه و تاریخ و احادیث و
عامیانه

اخبار است که بزبان عوام نوشته و منتشر ساخته اند علمای
 مزبور دریافته اند که برای رسوخ در قلوب عامه لازم است بزبان قوم سخن برانند
 و بطرزی ساده چیز بنویسند و پاداش خود را نیز گرفتند زیرا که در نتیجه این
 اقدام عامه مردم نسبت بمذهب شیعه عشقی مفرط و علاقه کامل پیدا کردند .

پیش از این گفتیم که در موقع ظهور شاه اسمعیل و رسمیت دادن
خدمات مجلسی ها
 بمذهب شیعه کتب فارسی راجع باین موضوع چقدر قلیل بود

و بنا بر مندرجات روضات الجنات^۱ ملا محمد تقی مجلسی « اول شخصی بود که
 بعد از استقرار سلسله صفویه به نشر احادیث شیعه همت گماشت » پسرش
 ملا محمد باقر مجلسی در همین زمینه کتاب عظیم بحار الانوار را عربی
 نوشت و تصانیف ذیل را بزبان فارسی تحریر کرد^۲ عین الحیات مشتمل بر مواعظ
 راجع به ترك دنیا - مشکوة الانوار - حلیة المتقین در اخلاق و اعمال - حیوة القلوب

در سه قسمت نخستین راجع به پیغمبران قبل از محمد [ص]
تالیفات ملا محمد
باقر مجلسی
 دویم راجع بمحمد رسول الله [ص] سوم راجع به دوازده
 امام اما فقط بخشی از آن با تمام رسید - تحفة الزائرین -

جلاء العیون - مقباس المصاییح در صلوة یومیه - ربیع الاسابیح - زاد المعاد و رسالات
 كوچك بسیار . اما جای عجب است که در ضمن این کتب نام یکی از مهمترین تالیفات
 او (حق الیقین) برده نشده است این کتاب در ۱۱۰۹/۱۶۹۸ تألیف شده و با کمال
 نظافت در ۱۸۲۵/۱۲۴۱ در طهران چاپ گردیده است . مرحوم م . ا . دویی برستین
 کازیمیرسکی عازم شد که این کتاب را بفرانسه ترجمه نماید اما از خیال خود انصراف
 یافت و نسخه اصل ترجمه خود را نزد من فرستاده تقاضا کرد که کار او را بپایان
 ببرم . اما متأسفانه هیچوقت فراغت نیافتم که این خدمت را انجام بدهم اگر چه
 بزحمتش می ارزید زیرا که هیچ ترجمه واضح و معتبری از عقاید شیعه در هیچ
 زبان اروپائی موجود نیست .

کتاب اساسی مذهب شیعه که قرآن مجید و احادیث و اخبار باشند طبعا همه
عربی است. رسالات و کتب مذهبی را که بزبان فارسی نوشته شده است باقدری
انگماض میتوان بسط طبقه قسمت نمود اصول عقاید - تاریخ - قوانین
طبقه بندی کتب عقاید
و حدود اما در مقام عمل عقاید و تاریخ بهم مخلوط شده است
که بزبان فارسی است
خاصه در قسمت مربوط با امامت که مؤلفین سعی کرده اند
ثابت نمایند که پیغمبر [ص] مایل بود علی [ع] جانشینش باشد و ابوبکر و عمر و عثمان
حقوق او را غصب کردند و ائمه دوازده نفرند نه بیشتر و نه کمتر و همان ها هستند
که شیعیان اثنی عشری از آنها پیروی میکنند لا غیر. خلاصه در حالتیکه قسمت اول
این کتاب راجع بذات وصفات خداوندی است و نزدیک میشود با الهیات قسمت اخیر
آنها حاوی مطالب تاریخی یا تقریباً تاریخی و خاتمه آنها مشتمل است بر وصف و
شرح بهشت و دوزخ و روز محشر و غیره.

انشاء این کتاب بطور کلی خیلی ساده و درست و عاری از صنایع بدیعیه است
اما عموماً تقلید از عربی است و ترتیب کلمات و تشکیل جملات بسبب آن زبان
است. نه فقط در عباراتی که ترجمه مستقیم از عربی است بلکه در سر تا سر کتاب این
شیوه معمول است چنانکه گوئی علمای مزبور باقدری در آیات قرآنی و احادیث
متبحر شده و دماغ خود را عادت داده اند که حتی در موقع فارسی نوشتن هم
فکرشان تابع عبارات عربی میشود - سطور ذیل که از ابتدای جلد ثانی حق الیقین
استخراج شده بخوبی این صفت عجیب را نشان خواهد داد:

« مقصد نهم در اثبات رجعت است ، بدانکه از جمله اجتماعیات بلکه ضروریات
مذهب حق فرقه محقه حقیقت رجعت است یعنی پیش از قیامت در زمان حضرت
قائم [ع] جمعی از نیکان نیک و بدان بسیار بد بدتیا بر میگرددند نیکان برای آنکه
بدیدن دولت ائمه خود دیدهای ایشان روشن گردد و بعضی از جزای نیکبهای ایشان
در دنیا بایشان برسد و بدان از برای عقوبت و عذاب دنیا و مشاهده اضعاف آن دولتی
که نمیخواستند باهل بیت رسالت [ع] برسند و انتقام کشیدن شیعیان از ایشان. و سایر
مردم در قبرها میمانند تا در قیامت محشور شوند چنانچه در احادیث بسیار وارد
شده است که رجوع نمیکند در رجعت مگر کسیکه محض ایمان داشته باشد یا محض

کفر اما سایر مردم پس ایشانرا بحال خود میگذارند . «

این عبارت که کاملاً بشیوه عربی نوشته شده ممکن است ترجمه تحت اللفظی حدیثی باشد که اصل آن نقل نشده و ظاهراً ابتدای اصل حدیث باید چیزی شبیه باین باشد « لا يرجع فی الرجعة الا من له محض الایمان او محض الکفر » اما نفوذ نحو عربی در سر تا سر ترجمه هویدا و محسوس است .

نوع دیگر از نوشته های مذهبی شیعه ردهائی است که بر اهل

۱- رد بر
اهل تسنن

سنت و فرق : شیخیه و بسایه و بهائیه و نصاری نوشته

میشود اهل تسنن بالطبع در هر رساله که راجع باصول عقاید

بحث نماید کما بیش مورد حمله واقع میگرددند . زیرا که از عهد نادرشاه تا زمان

حاجی شیخ الرئیس (ابوالحسن میزرا) که یکی از دعاة اتحاد اسلام بود^۱ هیچ

کس نتوانسته است مخالفت این دو شعبه بزرگ اسلام را به صلح و وفاق مبدل کند .

و اگر مسالمت و وسعت نظری در نسل جوان ایرانی امروز دیده میشود

بیشتر از آن جهت است که این مسائل و مناقشات مذهبی کمتر محل بحث واقع میشود

نه از لحاظ متحد شدن عقاید فرق مختلفه .

برضد صوفیه نیز در رساله های اصولی شیعه حملاتی دیده

۲- رد بر صوفیه

میشود خاصه در رد وحدت وجود چندین رساله مستقل

نیز منحصرأ در رد آنها دیده ام مثل رساله خیراتیه^۲ آقا محمد علی بهبهانی

که باعث قتل عام شدید صوفیه و کشتن عده کثیری از مرشدین آنها

مثل میر معصوم مشتاق علی و نور علی شاه گردید^۳ و مطاعن الصوفیه تألیف

محمد رفیع بن محمد شفیع تبریزی که در سال ۱۲۲۱/۱۸۰۶^۴ سمت تحریر

یافته است . صاحب رساله اخیرالذکر برای اثبات مدعای خود حتی بانجیل هم متشبث

گردیده است و قول مسیح را بیاد آورده که فرماید « بر حذر باش از آنها تیکه در لباس

(۱) دعوة نامه او راجع بانحاد اسلام در بمبئی بسال ۱۳۱۲/۵-۱۸۹۴ طبع شد .

(۲) تاریخ تألیفش ۱۲۱۱/۷-۱۷۹۶ است رجوع کنید بشرح کامل و جالب توجهی که

راجع باین رساله در فهرست ربو ص ۴-۳۳ مندرج است . (۳) برای اطلاع یافتن از تفصیل

این وقایع بتاریخ ایران سرجان ملکم مراجعه کنید چاپ ۱۸۱۵ جلد دوم صفحه ۴۱۷-۴۲۲

(۴) از این رساله نسخه خطی خوبی دارم که در ۲۲ جمادی الثانیه ۱۲۲۲ (۱۲۷ اگست ۱۸۰۷)

تحریر یافته است .

گوسفند [صوف] رو بتو می آیند و در باطن گر گهای درنده هستند »

۲ - ردبر نصاری
اختلاف اسلام و مسیحیت نیز باعث تحریر مقدار زیادی رسالات فارسی شده است و بر فسور ساموئل‌لی در کتاب

« رسالات بحثیه راجع بمسیحیت و اسلام » [کامبریج ۱۸۲۴] در این باب نتیجه مطالعات خود را مشروحاً نگاشته است. چندین کتاب راجع بهمین موضوع در ربع اول قرن هیفدهم میلادی بقلم سید احمد بن زین العابدین العاوی نوشته شده است یکی در رد « آئینه حق نما » تألیف گزاویه و دیگری بر ضد یهودیها. در این اواخر نوشته‌های هانری مارتین که از دعاة و مروجین دین مسیحی بود میرزا ابراهیم و دیگران را واداشت جوابهایی بنویسند^۱

شیخیه منسوبند بشیخ احمد بن زین الدین الاحسانی از اهل بحرین که بنا بر مندرجات روضات الجنات^۲ در سن نود سالگی در ۱۲۴۳ / ۸ - ۱۸۲۷ وفات یافت بعد از وسید کاظم رشتی ریاست شیخیه را یافت و از جمله شاگردانش سید علی محمد باب مؤسس باییه و چند نفر از جانشینان او بوده‌اند و همچنین حاج میرزا کریمخان کرمانی نیز از شاگردهای او بوده که بعدها طریقه شیخیه را وسعت بخشید. این طریقه

۴ - ردبر شیخیه

که در اصل همان تشیع است که بمنتهی درجه شدت رسیده بر علمای شیعه پسند نیفتاد و چند نفر از مجتهدین بزرگ از قبیل حاجی ملا محمد تقی قزوینی عمو و پدر شوهر قره‌الین شاعره مشهوره باییه بدفع آن همت گماشتند حاجی ملا محمد تقی مزبور از بس باشیخیه و باییه مخالفت ورزید جان خود را بر سر این کار گذاشت اما شیعیان اثنی عشری او را ملقب بشهید ثالث ساختند. ۳ شمه از احوال شیخیه و تعریف مذهب آنها را در یادداشت نمره I | صفحه ۴۴ - ۳۳۴ | آخر جلد دوم کتاب خودم موسوم به « بیانات یکنفر سیاح^۳ » درج کرده ام و همان شرح برای اشخاصیکه در مطالعه افکار ایرانیان مبتدی باشند کفایت می‌کند. شیخ احمد کتب بسیار تألیف کرده که

(۱) فهرست نسخ خطی کتابخانه دارالعلوم کمبریج (۱۸۹۶) صفحه ۱۳-۷ رجوع کنید (۲) صفحه ۶-۲۵ چاپ طهران ۱۳۰۶/۱۸۸۸ (۳) جلد دوم بیانات یکنفر سیاح صفحه ۸-۱۹۷ (۴) همچنین مراجعه نمائید بر سالة که ل. نیکولا راجع بشیخیه تألیف نموده (پاریس ۱۹۱۰) صفحه ۲۷۲ فهرستی از تصانیف شیخ احمد نیز در آن کتاب هست.

گو یا تمام عربی بوده صاحب روضات الجنات بعد از ذکر اسم تألیفات شیخ احمد (صفحه ۲۵) در ضمن بعضی مطالب دیگر اظهار میدارد که شیخ مشارالیه با وجود عقایدیکه خود نیز راجع بروی قیامت ابراز میداشته با صوفیه ضدیت کامل میکرده است طبعاً وسعت مشرب و عقیده که این طایفه بوحدت وجود دارند موجبات تفر متشرعین هر مذهبی را فراهم آورده است خواه اثنی عشری یا سنی خواه شیخی یا بابی یا بهائی و حتی مسیحی . هائری مارتین البته میدانست که با ملامت متعصب شیراز بیشتر تناسب و تجانس دارد تا با صوفیه که جماعتی رند و لا ابالی در مذهب هستند در این اواخر شیخیه و بابیه که خود از یک ریشه منشعب شده اند با یکدیگر مخالفت و مناقشتی خیلی سخت آغاز نهادند تا حدی که یکی از علماء و فقهای که در اواخر سال ۱۸۴۷ بساب را در تبریز محاکمه و محکوم نمود ملا محمد تقانی بود که خود از جمله شیخیه محسوب میگشت^۱

۵- رد بر بابیه و بهائیه
 نهضت بابیه و بهائیه که از ایران بخارج هم سرایت کرده و امروز با آمریکا نیز وارد شده است طبعاً موجب مناقشات قلمی

بسیاری گردید که مطالعه تمام آنها خود محتاج تحقیقی مخصوص است و من در جای دیگر بشرح آن پرداخته ام^۲ مهمترین این کتب (یعنی آنهائیکه بزبان فارسی است) دو کتاب از تألیفات خود باب است یکی بیان فارسی و دیگری دلایل سبعه. ایقان بهاء الله نخستین دفاعنامه است که با ذکر دلائل تدوین شده و تألیف قبل از تاریخی است که بهاء الله ادعای من ینظهره اللهی نمود اما الواح او که بیشتر بزبان فارسی است و بعد از ایقان نوشته شده از حساب بیرون است جالبترین و مهمترین آنها الواح سلاطین است تألیفات ازلی هائیز بسیار بدست میآید و بطور کلی هر شعبه از مذاهب مختلفه موجد رسالات بسیار و جدالهای قلمی بشمار گردیده اند . راجع بر بابیه و بهائیه مهمترین رسالاتی که بزبان فارسی موجود است احقاق الحق آقا محمد تقی همدانی^۳ (تاریخ تألیف ۱۳۲۶ / ۱۹۰۸) و منهاج الطالبین^۴ حاجی حسین قلی است که ارمنی بوده و بدین اسلام در آمده

(۱) به بیانات یکنفر سیاح رجوع کنید صفحه ۲۷۸ از جلد دوم (۲) بیانات یکنفر سیاح

جلد ثانی صفحه ۱۷۳ - ۲۱۱ و کتاب « مواد لازمه » برای استحضار از مذهب بابیه « صفحه

۱۷۵ - ۲۴۳ (۳) « مواد لازمه » صفحه ۹۰ - ۱۸۹ (۴) ایضا صفحه ۸ - ۱۹۶

است این رساله در ۱۳۲۰ / ۱۹۰۲ در بمبئی چاپ شد بایه و بهائیه طرز و شیوه خاصی در زبان فارسی پیش گرفته اند که نیلی قابل ملاحظه و توجه است بعضی از الواح بهاء الله که در جواب سئوالات زردشتیان تحریر یافته به فارسی خالص است و يك لفظ عربی ندارد اما مهمترین کتب آنها از قبیل کتاب اقدس بزبان عربی است از لحاظ ادبی چه در عربی چه در فارسی بهاء الله انشاء بهائی ها را قدری ترقی داد زیرا که سبک تحریر میرزا علی محمد باب چنانکه گوینو می نویسد: «تاریک و خشک و کدر» بود.

۲ - فلسفه

تقسیمات فلسفه
مسلمین حکمت را چنین تعریف میکنند « علم بحقایق اشیاء بقدری که انسان را میسر است » حکمت بدو شعبه منقسم میشود نظری و عملی . شعب حکمت نظری ریاضیات و علم الطبیعه و ماوراء یا بعد یا فوق الطبیعه است و شعب حکمت عملی تهذیب الاخلاق و تدبیر المنزل و سیاست المدن است . سه کتاب مشهور فارسی در حکمت عملی عبارتند از اخلاق نصری اخلاق جلالی و اخلاق محسنی^۱ و تمام اینها زمانشان قبل از دوره است که در این کتاب بحث میشود و بنظر من نمیآید در این دوره هیچ کتاب مهم فارسی را جمیع بحکمت عملی تصنیف شده باشد پس اینجنا لازمست که بند کر حکمت نظری اکتفا کنیم و بدو بشرح ماوراء الطبیعه پردازیم که از طرفی مر بوط به عقاید دینی است و از جانبی متعلق به علوم^۲ این نکته متفق علیه است که در اوائل عهد و زمان عباسیه شیعیان اثنی عشری و معتزله^۳ ارتباط کامل باهم داشته اند و معلوم است که مذهب معتزله منورترین و فلسفی ترین مذاهب اسلامی بود و از مختصات معتزله اعتقاد اختیار و مخالفت با جبریون بود اما بعدها مذهب جبری پیش رفت و ترقی و توسعه فکری عالم اسلام را دچار وقفه ساخت . بنا بر آنچه گذشت کتبی که راجع

(۱) رجوع کنید به تاریخ ادبی ایران در زمان سلطه تاتار تالیف من صفحه ۴ - ۴۴۲

(۲) ظاهراً مرادش الهیات بمعنی الاخص باشد (مترجم) (۳) رجوع کنید به تاریخ فلسفه اسلام

تالیف و . بوئر Buer ترجمه ۱۰ ر . جانس (لندن ۱۹۰۳) صفحه ۳۳ ، ۴۴ ، ۷۲ ، ۸۴ و کتاب گاندزهر موسوم به Vorles ungen über der Islam صفحه ۲۳۴ و ما بعد .

بذات و صفات خداوند بقلم علمای شیعه نوشته شده خیلی بیش از تألیفات سنیان دارای جنبه فلسفی است .

فلسفه مسلمان نیز مثل علوم آنها تقریباً بالتمام مرهون یونانیان
قرض فلسفه اسلام است و خودشان هم باین نکته اقرار دارند . از اوائل عهد
به یونانیان

عباسیان (اواسط قرن هشتم میلادی) بعضی کتب معاریف
فلسفه و حکمای یونان بزبان عربی ترجمه شد تاریخ فلسفه اسلام از آن وقت تا
زمانیکه از هجوم قوم مغول ضربتی مهلك بر عالم اسلام وارد گردید و بغداد و
خلافت عباسی زیر و رو شد . (وسط قرن ۱۳ میلادی) چندین بار بقلم مستشرقین
اروپائی تحریر شده است محض اطلاع بر تاریخ مجمل حکمت اسلامی و خدمات
فلسفه بزرگان و مذاهب مختلفه آنها کتاب « تاریخ حکمت اسلامی » تألیف دکتر
ج . بوئر و ترجمه انگلیسی آن بتوسط ا . ر . جانس بهترین کتب است و عامه
فارغین میتوانند از آن استفاده نمایند . در اینجا لازم است اشاره شود که فقط یکی
از اشخاصیکه در آن کتاب ذکر شده زمانش بعد از انقراض خلافت عباسیان بوده
و آن ابن خلدون است (تولدش در تونس ۱۳۳۲ و وفاتش در قاهره ۱۴۰۶) و
این شخصی فوق العاده و بی نظیر بود « نه سابقی داشت و نه لاحقی » . ۱

سؤالیکه اینجا باید جواب گفته شود اینست : ایران

که در قرون اول هجرت این همه فلسفه معروف

به حکمای عرب ۲ بوجود آورده آیا بعد

از اول قرن شانزدهم میلادی هم هیچ حکیم

اشکالی که در تعیین طرز

و مقام فلسفی ایرانیان در

عهد اخیر موجود است

الهی تولید کرده است ؟ برای جواب باین سؤال شخص باید علاوه بر اطلاع کامل

از زبان عربی و فارسی و قوفی از تاریخ فلسفه عرب و یونان (خلاصه تمام فلسفه عمومی)

داشته باشد و من ابدأ مدعی این احاطه نیستم . و برای سنجیدن و قضاوت کردن

در آثار علمیه مسلمین نیز همین اشکال پیش می آید . آیا چند نفر از عشاق رباعیات

عمر خیام بامستروویک Woepecke هم عقیده شده و رسالات عربیه خیام را که در علم

(۱) کتاب دکتر بوئر فصل مذکور صفحه ۲۰۸ (۲) علت تسمیه آنها بحکمای عرب این

است که عموماً بزبان عربی چیز می نوشته اند و حتی امروز هم تا درجه لسان علمی مسلمان

عربی است چنانکه سابقاً لاتینی زبان علمی عالم مسیحیت بشمار میرفت .

جبر است خواهند پسندید؟ عربی دانستن کافی نیست که شخص بگوید الرازی در طبابت مقدم بوده یا ابن سینا. در آلمان راجع باین شعبه که تخصص کامل میخواهد خیلی بیشتر از سایر ممالک زحمت کشیده شده مثلاً کتاب دکتر ا. ویدمن Weidmann از اهالی ارلانگن (راجع بعناظر و مرایا و فیزیک و غیره) و کتاب دکتر جولپوس هیرشبرگ Hirschberg از اهالی برلین (در باب کجالی) کتاب دکتر ماکس شیمون (در شرح) و غیر ذلك اما موضوعات بسیار مانده که هنوز دست نخورده است و کمتر مستشرقی قابل اقدام بآن دیده میشود در خصوص حکمت ایران از سیصد و چهار صد سال باین طرف آنچه میتوان گفت همین است که قریب

شش فیلسوف معروف

ایران در ازمنه اخیره شش نفر از متفکرین ظهور کرده اند که فیما بین هموطنان

خود شهرتی بکمال کسب نموده اند اما تا چه پایه این معروفیت

شایسته و بجا بوده مسئله است که تا کنون جواب کافی بآن داده نشده است. اسامی

این متفکرین بترتیب قدمت تاریخی از اینقرار است : ۱ - شیخ بهاءالدین العاملی

(متوفی بسال ۱۰۳۱ / ۱۶۲۲) ۲ - میر داماد (متوفی بسال ۱۰۴۱ / ۱۶۳۱)

۳ - ملا صدرا (متوفی بسال ۱۱۰۵۰ / ۱۶۵۰) ۴ - ملا محمد فیض (متوفی بعد

از سال ۱۰۹۱ / ۱۶۸۰) ۵ - ملا عبدالرزاق اللاهیجی ۶ - حاج ملاهادی سبزواری

که زمانش خیلی نزدیک بعاست و تاریخ وفاتش سنه ۱۲۹۵ / ۱۸۷۸ است .

حکمای اسلام دو طبقه اند بعضی فلسفه خود را تابع دین

حکمت و کلام

قرار داده اند و برخی باین حدود محدود نیستند . طبقه اولی

را متکلمون یا اهل کلام می نامند The Schoolmen or Dialecticians ۱ - طبقه ثانیه

حکما یا فلاسفه هستند . از شش نفر سابق الذکر ملا صدرا تحقیقاً و حاجی ملاهادی

مجتعلاً جزء طبقه ثانویه بوده اند ولی چهار نفر دیگر از طبقه اولی محسوب میشوند و

و هر چند از لحاظ فلسفه رتبه آنها به بلندی دو نفر سابق نیست اما از حیثیات دیگر

آنها را ادبا و نویسندگان بزرگی باید دانست ۲

شرح حال این شش نفر باستثنای حاجی ملاهادی که زمانش متأخر است در روضات

(۱) رجوع کنید بکتاب بوئر ۳ - ۴۲ (۲) فیض و لاهیجی در فلسفه مقام عالی دارند و از

آنها بالاتر میر داماد است که در بعضی مسائل حکمت منفرد است و ملا صدرا مکرر بعظمت

رتبه او اشاره کرده است (مترجم)

الجنات وقصص العلماء مسطور است و ما غیر از آنچه سابقاً راجع بآنها نوشته ایم مطالب ذیل را نیز از آن کتاب استخراج کرده می نگاریم .
 پنج نفر نخستین تقریباً همه معاصر و تا حدی با یکدیگر مربوط بوده اند
 شیخ بهاء الدین و میر داماد خود فوق العاده داشتند و طرف محبت شاه عباس اول بودند معذک بنا بر روایت رحان ماکم^۱ رقابت و حسادت نسبت بیکدیگر ظاهر نمیشاختند . ملا صدرا شاگرد این دو نفر بود^۲ و ملا محسن فیض و ملا عبدالرزاق لاهیجی هر دو شاگرد و داماد ملا صدرا بودند .

۱ - شیخ بهاء الدین العاملی

شیخ بهاء الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد الحارثی العاملی
 تولد ۹۵۳ ، ۹۵۴ ، ۹۵۶
 وفات ۱۰۴۱ / ۱۰۴۲
 شامات بایران آمدند و نسبت عاملی که بآن شهرت یافته از
 ائمه است اما ایرانیان او را عادة شیخ بهائی میخوانند پدرش
 شیخ حسین از شاگردان شیخ زین الدین شهید ثانی بود بعد از آنکه استادش بجرم
 تشبیه بدست ترکها مقتول گردید بایران آمد و شیخ بهائی همسراه او بود پس از
 ورود با سع و وجد بلیغ بتحصیل علوم دینی و ریاضیات و طب همت گماشت .
 معلمین او غیر از پدرش عبارت بودند از : ملا عبدالله یزدی
 معلمین او
 شاگرد جلال الدین دوانی صاحب اخلاق جلالی که او نیز
 از تلامذة سید شریف جرجانی بود و ریاضیات را نزد ملا علی مذهب و ملا افضل
 قائمی و طب را در خدمت علاء الدین محمود^۳ تحصیل کرد چندی نگذشت که
 شهرتی فوق العاده در قضا تحصیل نمود و صدر یا شیخ الاسلام اصفهان شد . بعد از
 چندی آرزوی طواف مکه بروی استیلا یافت و در مراجعت از حج ملبس بلباس
 درویشی شده تمام عراق و مصر و حجاز و شام را سیاحت کرد و با علما و فضلاء
 بسیار آشنائی یافت و عرفای بزرگ را ملاقات نمود .

(۱) تاریخ ایران باب (۱۸۱۵) جلد اول صفحه ۹ - ۵۵۸ این حکایت در قصص العلما
 و روایات الجنات نیز هست ص ۱۱۵ (۲) روایات الجنات ۳۳۱ (۳) در جلد اول تاریخ
 عالم آرای عباسی جزء مردمان بزرگ عهد شاه عباس شمه از حال او هست و بعضی قسمتهای
 راجع بشیخ بهائی و میر داماد که در این فصل دیده میشود از همان عالم آرای عباسی منقولست

مرابط الرواه المعروف عبد الله البراه والمارة من الطائفة

امدادى فالسجح من عوام المعظم للشام للعلماء العالم

اعلى معاني الاسماء قال ذلك لتمام وعزم

المعنى الى الله تعالى بالبرهان كما ورد في الاسماء

في رابع عشر من كتابه في علمه ولسان الله في علمه

وان الال واكمه الله لولا اولاد طار

وصل الى علمه في الامم

خطيب بن بابا الدين عالمي

شیخ بهائی روز ۱۷ محرم ۹۵۳ (۲۰ مارچ ۱۵۴۶) در بعلبک شام تولد یافت و در ۱۲ شوال ۱۰۳۱ (۲۰ اگست ۱۶۲۲) وفات نمود. کتب معتبره اش عبارتند از جامع عباسی که حاوی فتاوی شرعیه است . و زبده و مفتاح الفلاح و تشریح الافلاک و خلاصه الحساب و کشکول شامل حکایات بسیار و نصایح و اشعاری متفرقه که بعضی از آنها بزبان فارسی است ۲ و یک مثنوی فارسی موسوم بنان و حلوا حاوی سرگذشت مؤلف در سفر مکه و مثنوی دیگر بنام شیر و شکر منتخبی از این دو مثنوی و از غزلیات او در مجمع الفصیحه جلد دوم ص ۱۰ - ۸ مسطور است .

۲ - میر داماد

میر محمد باقر استرآبادی متخلص باشراق المشتهر بداماد تحصیلات ابتدائی را در مشهد شروع کرد اما قسمت اعظم ایام حیات را در اصفهان بسر برد و چنانکه دیدیم طرف احترام شاه عباس واقع گردید و هنگامیکه صاحب عالم آرا بتحریر تاریخ خود اشتغال داشت ۱۰۲۵ / ۱۶۱۶ میر داماد در اصفهان میزیست لقب داماد فی الحقیقه از الباب مدرس سید محمد بود که دختر شیخ علی بن عبدالعالی از فقههای معروف را بجهالة نکاح در آورد . وفات میر محمد باقر در ۱۰۴۱ / ۲ - ۱۶۳۱ اتفاق افتاد بیشتر تصنیفاتش بزبان عربی بود اما شعاری بفارسی تحت تخلص اشراق دارد ظاهراً ذوقی برای تحقیق در حکمت طبیعی داشته و

ملاحظه عادات

بنا بر مندرجات قصص العلماء میر گفت برای زنبور عسل
بیتی از شیشه درست کردند تا ترتیب تولید عسل را به بیند

متکسر نحل

و بر اعمال زنبور آگاهی حاصل نماید و همچنین در قصص مسطور است که ملا -
صدر را میر را در خواب دید و ازو سؤال کرد که : « مردم
میر داماد از، الاصدرا
مرا تکفیر کردند و شما را تکفیر نکردند با اینکه مذهب من
محتاط تر بود
از مذهب شما خارچ نیست علت چیست ؟ » میر داماد در

(۱) مزارش در جوار حرم حضرت رضا (ع) در مشهد طوافگاهست ماده تاریخ وفاتش بنا بر قول محمد طاهر نصر آبادی این مصراع است « افسر فضل او فتادی سرو یا گشت شرع » بنا برین جمع حروف : ض - ل - ل - ر - س - ه - ۱۰۳۰ میشود . این مصراع را با تغییر محل کلمات شرع و فضل ماده تاریخ مجلسی قرار داده اند (مترجم) (۲) در چاپ مصر این اشعار را حذف کرده اند (چاپ ۱۳۰۵ / ۸ - ۱۸۸۷) اما در چاپ طهران (۱۳۲۱ / ۴ - ۱۹۰۳) دیده میشود .